گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۴۵۵۴۲۵
پنج شنبه ۱۲ اسفند ۱۴۰۰ ۱۲:۱۸

پدیده «اثر شوفر» خطرناک‌تر از هردشمنی درکشور

برخی از صاحبنظران معتقدند که در شرایط کنونی، بیش از دشمن یا خشکسالی و یا دروغ، آنچه که کشورمان را تهدید می‌کند، «اثر شوفر» است! اما اثر شوفر چیست؟

به گزارش خبر روابط عمومی گروه پاس، ماکس پلانک بعد از این‌که جایزه نوبل را در سال ۱۹۱۸ می‌گیرد ، یک تور دور آلمان می گذارد و در شهرهای مختلف درباره مکانیک کوانتوم سخنرانی می‌کند.
چون هر دفعه دقیقاً یک محتوا خاص را ارائه می‌کند راننده اش بر این باور بود که همه مطالب آن دانشمند را یاد گرفته است و روزی به آقای پلانک می گوید «شما از تکرار این حرف‌ها خسته نمی‌شوید؟
من می توانم به جای شما این مطالب را برای دیگران توضیح دهم. اگر اجازه دهید من در شهر مونیخ بجای شما سخنرانی کنم و شما لباس من را بپوشید و در جلسه بنشینید! و برای هر دوی ما تنوعی ایجاد می‌شود!» پلانک هم قبول می‌کند!
شوفر خیلی خوب در جلسه درباره مکانیک کوانتوم صحبت می‌کند و شنونده‌ها هم خیلی لذت می‌برند.
در پایان جلسه فیزیک‌دانی بلند می‌شود و سوالی علمی را مطرح می‌کند. شوفر که جواب سوال را اصلا نمی دانست، در نهایت خونسردی می‌گوید: «من تعجب می‌کنم که در شهری پیشرفته مثل مونیخ، سوال‌هایی به این اندازه ساده از من می‌پرسند! به این سوال شما حتی شوفر من هم می‌تواند پاسخ دهد!»
سپس ازپشت تریبون رو کرد به ماکس پلانک که درجمع حضار نشسته بود و گفت «جناب شوفر(آقای راننده) لطفا شما به سوال ایشان پاسخ دهید!»
ماکس ازجا برخواست وپاسخ آن فیزک دان را داد.
از آن پس در علم مدیریت این (توّهم دانایی) را «اثر شوفر» می نامند. این تَوّهُم دانایی گاهی دربسیاری ازامور (ازجمله سیاست، اقتصاد، امنیت ومدیریت ودین و فرهنگ) برای برخی افراد سطحی نگر و اصطلاحا همه چیز دان پیش می آید.
غافل ازاینکه علم و دانش در هر رشته ای مانند کوه یخی است که بخش کمی از آن قابل رویت است و بخش اعظم آن را نمی‌توان مشاهده کرد. افراد سطحی‌نگر صرفا بخش قابل مشاهده دانش را می‌بینند و گمان می‌کنند که کل دانش را دریافت کرده‌اند، در حالی که این فقط «توهمی از دانایی» است نه خود دانایی!
توهم دانایی، یعنی اینکه تصور کنیم همه جوانب مطلبی را می‌دانیم، بنابراین قاطعانه درمورد آن اظهار نظر میکنیم ،در صورتی که اشتباه می‌کنیم. یعنی یا نمی‌دانیم و یا اشتباه و ناقص می‌دانیم و علت اصلی توهمِ دانایی ، تصور ناقص ما نسبت به تمام جوانب یک مطلب و سپس مقایسه‌ی دانش خودمان با همان تصور است.
حال اگر درجامعه ای، روال اینگونه شود که هرکسی بی محابا درهر امری مدعی دانستن شود. ومردم تفاوت بین فهم متخصص ومدعی تشخیص ندهند، یا به اصطلاح شوفر جای دانشمند اظهار نظر کند و دانشمند بخواهد ماشین راهدایت کند، یعنی شوفر در مسند دانشمندان و دانشمندان در جایگاه شوفر ادامه فعالیت دهندامور جامعه به قهقرا می رود.
این بیماری درمیان اقشار مختلف جامعه هم سرایت نموده و بقول معروف همه خود را در همه امور عقل کل می دانند. تاجایی که کلمه «نمی دانم» را تحقیر خود می شمارند.
سقراط می گفت «من داناترین فردم! چون تنها کسی هستم که می دانم که نمی‌دانم» در حالی که دیگران هنوز به نادانی خود نیز، آگاه نیستند.
این جهل سقراطی که بعدها "نیکلاس کوزایی" آن را «جهلِ فرهیخته» نامید، درست همان چیزی است که برای تفکر و پژوهش وجستجو گری نیازمند آنیم. زیرا نخستین گام در تلاش برای کسب دانایی، غلبه بر «توهم دانایی» است.افزایش میزان حداقل حقوق،کارفرمایان را تشویق کرد تا سرایدار،دربان با نگهبان خود را اخراج کنند.به موازات آن،آن دسته از کارکنانی که شغل اصلی شان مراقبت و نظارت نیست ،اکراه داشتند تا کار نظارت ،مراقبت و حفظ نظم را انجام دهند نتیجه این تحولات ،افزایش میزان بزهکاری بود
ما زمانی می توانیم به درک و فهم و دانایی خود امیدوار شویم که آنچه را نمی دانیم با شهامت وجسارت بگوییم:«نمی دانم!»
لطفا کار را به کاردان بسپارید.جهت بهرمندی از خدمات سامانه جامع حفاظتی و مراقبتی پاس به آدرس www.passgroup.ir مراجعه فرمایید.